

# یک اقلیم و چند پادشاه!

حواشی تربیت فرزندان با نگاه متفاوت پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها

محمدعلی شاطری

مهربان هستند؛ به قول قدیمی‌های لی به لالایشان می‌گذارند و لوسشان می‌کنند. آن‌ها می‌گویند: «باید این‌ها را آن زمان که برای ما پدر و مادری می‌کردند، تماشا می‌کردید. مورا از ماست بیرون می‌کشیدند. مگر می‌توانستیم مثل امروز که نوه‌ها این کار را می‌کنند، خودمان را برایشان لوس کنیم؟ اگر گریه و لوس‌بازی درمی‌آوردیم، جوابمان چوب و پس کله‌ای بابا و نیشگون مامان بود، اما حالا برای هر چشم‌غره‌ای که به این نوه‌های نورچشمی برویم، باید به این بزرگ‌ترهای مهربان جواب پس بدهیم!»

## چرا پیرترها مهربان‌تر می‌شوند؟

اساساً وقتی بار سنگین مسئولیت و نگاه به آینده از تصمیم‌ها و رفتارهای ما برداشته شود، دیگر دلیلی برای سخت‌گیری و اصرار در تربیت نخواهیم دید. همین الان اگر بگویند قرار است دنیا یک ماه دیگر به پایان برسد، بعید است بر خیلی از قوانین و سخت‌گیری‌های قبلی مان اصرار کنیم و سعی در اجرایشان داشته باشیم. حکایت بزرگ‌ترها هم همین است.

قدیم‌ها را یادتان می‌آید؟ آن موقع‌ها که ما خودمان کودک بودیم؛ جمعه‌ها که قرار بود به خانه آقاچان و مادرچان برویم، صبح زود با ذوق از خواب بیدار می‌شدیم و با سروصدا سعی در بیدار کردن پدر و مادر داشتیم تا زودتر دست ما را بگیرند و برویم جایی که می‌توانستیم خواسته‌هایمان را با حمایت پدربزرگ و مادربزرگ به دست بیاوریم؛ اما حالا داستان یک نسل جلو آمده است. ما نوه‌های دیروز، پدر و مادرهای امروز شده‌ایم و پدر و مادرهای سخت‌گیر دیروز، پدربزرگ و مادربزرگ مهربان امروز.

تقریباً همه پژوهشگران و فعالان تربیتی در این مسئله اتفاق نظر دارند که مهم‌ترین موضوع در تربیت کودکان، داشتن رویه ثابت تربیتی در برخورد با آن‌هاست و بیشترین چیزی که به تربیت فرزندان آسیب می‌زند، دوگانگی و درپیش نگرفتن یک رویه ثابت در برخورد با آن‌هاست. طبیعتاً به تعداد ما آدم‌ها و نوع نگاه‌ها، خلقیات، روحیات و خصوصیات شخصیتی متفاوتمان، سبک‌های تربیتی خاصی در برخورد با فرزندانمان شکل می‌گیرد. معمولاً پدر و مادر با تقسیم وظایف تربیتی میان یکدیگر، برای درپیش گرفتن یک رویه تربیتی ثابت با هم همکاری می‌کنند. اما مشکل دقیقاً از جایی شروع می‌شود که فرزندان به دلایلی با سبک‌های تربیتی متفاوت روبه‌رو می‌شوند. مثلاً هنگامی که پدر و مادر نتوانند سبک تربیتی‌شان را با یکدیگر هماهنگ کنند یا فرزندان در معرض سبک تربیتی دیگری قرار بگیرند. بله درست حدس زدید! همان پدربزرگ و مادربزرگ مهربان و دوست داشتنی، تقریباً همیشه تحت تأثیر فاصله سنی، تفاوت نسل، تفاوت‌های شخصیتی و مهم‌تر از همه تفاوت جایگاهشان، به منبعی برای صدور امواج تربیتی متفاوت تبدیل می‌شوند و یکپارچگی تربیتی را از بین می‌برند.

## سخت‌گیرهای دیروز، مهربانان امروز

پای حرف پدر و مادرها که می‌نشینی، معمولاً برایشان مایه تعجب و حتی شکایت است که پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها این قدر با نوه‌هایشان



آن‌ها تربیت‌هایشان را کرده‌اند و خودشان را در دهه‌های آخر عمر و بخش‌های پایانی مسیر می‌بینند؛ بنابراین به جای سخت‌گیری و قاطعیت، ترجیح می‌دهند لطافت و مهربانی را سرلوحه برنامه‌هایشان قرار دهند. به همین راحتی!

### چه باید کرد؟

خب حالا ما به عنوان پدر و مادر چه باید بکنیم؟ در پاسخ باید بگوییم که فرض‌های مختلفی وجود دارد که هر کدام تصمیم‌گیری و واکنش متفاوتی را می‌طلبد. این‌که پدر بزرگ و مادر بزرگ‌ها با ما و در خانه ما زندگی می‌کنند یا کودک ما به دلایلی ایام زیادی از ماه و سال را در خانه آن‌ها می‌گذرانند یا نه، فقط برای دوره‌های کوتاه و بابت صلح‌رحم به منزل آن‌ها سر می‌زند، مهم‌ترین نکته‌ای است که روی تصمیم‌گیری تأثیر می‌گذارد.

### گام اول:

به عنوان اولین گام لازم است در فرصتی مناسب با فرزندان صحبت کنید و به آن‌ها بگویید که تصمیم‌گیرنده اصلی در تربیت آن‌ها، شما هستید و دیگران صرفاً در مقاطع کوتاه ممکن است در این زمینه تأثیری داشته باشند؛ لذا برای آن‌ها روشن کنید که «آقا چون گفته یا مادر چون خواسته»، دلیلی برای تغییر روال ثابت قوانین، برنامه‌ها و قرارهای تربیتی خانواده شما نیست.

### گام دوم:

با پدر بزرگ و مادر بزرگ‌های عزیز صحبت کنید. برای آن‌ها منطق سخت‌گیری‌هایتان را توضیح بدهید و روشن کنید که مخالفت با تصمیم‌هایشان به منزله زیر سؤال بردن تجارب و دانش تربیتی آن‌ها نیست، بلکه صرفاً بابت برقرار کردن یک رویه ثابت است. از آن‌ها بخواهید هنگامی که شما به فرزندان امرونی می‌کنید یا تنبیهی وضع می‌کنید، به جای تلاش برای تغییر تصمیم شما، با کودکان همدلی کنند و اجرای آن تصمیم یا گذراندن تنبیه را برای او آسان‌تر کنند.

### گام سوم:

در صورتی که فضای زندگی شما از بزرگ‌ترها جدا است، می‌توانید این مفهوم را که هر ملک و کشوری قوانین مخصوص خودش را دارد، برای کودک شرح دهید. مثلاً به راحتی در برابر این سؤال که: «پس چرا آقا چون همیشه می‌داره تا دیروقت تلویزیون ببینم، ولی شما نمی‌گذارید؟» بگویید: «ببین عزیزم، هر خونه ای قوانین خودش رو داره و آقا چون برای انتخاب قوانین خونه خودش آزاده، اما ما توی خونمون قوانین خودمون رو داریم و بر اساس اون‌ها عمل می‌کنیم!» به همین سادگی می‌توانید حوزه‌های تربیتی را از یکدیگر جدا کنید و دچار چالش و تزاخم کمتری با روش‌های تربیتی بزرگ‌ترها شوید.

### گام چهارم:

اگر کودک شما ایام زیادی از سال را در منزل بزرگ‌ترها سپری می‌کند، سعی کنید انعطاف داشته باشید. خانه هر کسی حوزه اختیار و قدرت اوست و شما نمی‌توانید هم از بزرگ‌ترها به عنوان پرستار تمام وقت کمک بگیرید و هم خواسته‌های خودتان را به آن‌ها تحمیل کنید. در چنین مواردی از آنجا که هر رویه تربیتی، هر چند اشتباه و غلط، اگر ثابت و بدون دوگانگی اجرا شود، نتیجه‌بخش‌تر از بهترین روش‌هایی است که دچار دوگانگی باشند، سعی کنید تا حدودی رویه تربیتی خودتان را تعدیل کنید و به روش بزرگ‌ترها نزدیک کنید تا کودک کمتر دچار سردرگمی در برخورد‌های تربیتی بشود.

”

از آن‌ها بخواهید هنگامی که شما به فرزندان امرونی می‌کنید یا تنبیهی وضع می‌کنید، به جای تلاش برای تغییر تصمیم شما، با کودکان همدلی کنند

